

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالْدُّعَاءِ بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الشَّنَاءِ عَلَيْهِ . فَقَالَ
 دعای آن حضرت است که به سپاس و ثنای خدای عزوجل شروع می‌کرد آن هنگام که در عرصه‌گاه دعا قرار
 می‌گرفت، پس می‌گفت:

① الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ

(۱) همه ستایش‌ها مخصوص خداست؛ آن وجود مبارکی که اول است، بی‌آنکه اولی
 پیش از او بوده باشد؛ و آخر است، بی‌آنکه آخری پس از او باشد.

② الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ
 أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ .

(۲) دیده بینندگان از دیدنش کوتاه و گمان وصف‌کنندگان از ستودنش، ناتوان است.

③ ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً ، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعاً .

(۳) موجودات را به قدرتش آفرید، آفریدنی بی‌مانند؛ و آفریده‌ها را به اراده‌اش ساخت،
 ساختنی بی‌مثال.



﴿۴﴾ ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَى مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ .

(۴) آن‌گاه، همه آن‌ها را در مسیر خواسته خود راهی کرد و در راه محبتش برانگیخت. قدرت پس رفتن، به سوی مرزهایی که آنان را از آن‌ها پیش انداخت، ندارند؛ و توان پیش رفتن به سوی حدودی که آنان را از آن‌ها پس انداخت، ندارند.

﴿۵﴾ وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ .

(۵) از رزق و روزی‌اش، برای هر یک از جانداران، خوراکی معلوم و قسمت شده قرار داد. سهم کسی را که فراوان داده، احدی نمی‌تواند بکاهد؛ و نصیب کسی از آنان را که کاسته، هیچ‌کس نمی‌تواند بیافزاید.



﴿٦﴾ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجْلاً مَوْقُوتاً، وَنَصَبَ لَهُ أَمَداً مَحْدُوداً،
يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَيَرَهَّقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى
أَثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ
ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ
الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى.

(٦) آن‌گاه در زندگی برای او زمانی معین، مقدر فرمود؛ و پایانی محدود قرار داد؛ که با ایام عمرش به سوی آن پایان، قدم برمی‌دارد و با سال‌های زندگی‌اش به آن نزدیک می‌شود تا هنگامی که به پایان زندگی‌اش برسد و پیمانۀ حساب عمرش را تمام و کامل دریافت کند؛ او را به سوی آنچه از پاداش بسیار، یا عذاب دردناک، فراخوانده بود، ببرد؛ «تا به خاطر عدالتش، بدکاران را به علت کردار ناپسندشان و نیکوکاران را به سبب کار نیکشان، پاداش بخشد».



﴿۷﴾ عَدْلًا مِنْهُ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، وَ تَظَاهَرَتْ الْأَوْهَةُ، لَا يُسْأَلُ عَمَّا
يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ.

(۷) این [جزدادن] از عدالت اوست؛ پاک و مبارک است نام‌های حضرتش و بی‌دری است نعمت‌هایش.
[از آنچه انجام می‌دهد، بازخواست نشود، ولی همگان در پیشگاهش بازخواست شوند].

﴿۸﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا
أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعَةَ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَظَاهِرَةَ،
لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ.

(۸) همه ستایش‌ها مخصوص خداست که اگر بندگانش را از شناخت سپاس‌گزاری‌اش
بر آنچه که از عطایای پیاپی‌اش که محض امتحان‌کردنشان به آنان عنایت فرمود و
نعمت‌های پیوسته‌ای که بر آنان کامل کرد، به چاه محرومیت می‌انداخت؛ در عطایا و
نعمت‌هایش، دخل و تصرف می‌کردند و او را سپاس نمی‌گزاردند؛ و روزیش را به فراوانی
هزینه می‌کردند و به شکر عنایاتش بر نمی‌خاستند.



﴿٩﴾ وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ
 الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّهُمْ إِلَّا
 كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.

(۹) اگر چنین بودند [که شکرگزاری نمی‌کردند]، از حدود انسانیت بیرون می‌رفتند و به مرز حیوانیت می‌رسیدند. در نتیجه به این صورت بودند که در کتاب محکمش وصف کرده: «آنان جز مانند چهارپایان نیستند؛ بلکه آنان گمراه‌ترند!».

﴿١٠﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ ، وَاللَّهُمَّ مِنْ شُكْرِهِ ، وَ
 فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ
 فِي تَوْحِيدِهِ ، وَجَبَّنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ .

(۱۰) و همه ستایش‌ها مخصوص خداست که وجودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام کرد و درهای دانش را به پروردگاری‌اش به روی ما گشود و ما را بر اخلاص و رزق در یکتایی‌اش راهنمایی کرد و از انحراف در دین و تردید در دستورش، دور داشت.



﴿۱۱﴾ حَمْدًا نَعْمَرُّ بِهِ فِيمَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ ، وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَيَّ رِضًا وَعَفْوًا .

(۱۱) خدا را ستایش می‌کنم، ستایشی که با آن، در گروه ستایش‌گران از بندگان زندگی کنم و با آن ستایش بر هر که به خشنودی و گناه بخشی‌اش پیشی‌جسته، سبقت گیرم.

﴿۱۲﴾ حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرِّزَخِ ، وَيَسْهَلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ ، وَيُشْرِفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ ، يَوْمَ تَجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ، يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ .

(۱۲) ستایشی که به سبب آن، تاریکی‌های برزخ را بر ما روشن کند؛ و به وسیله آن، راه رستخیز را بر ما آسان فرماید؛ و به کمک آن، رتبه‌های ما را نزد گواهان روز قیامت بلند گردانند. «روزی که هر وجودی، به خاطر آنچه مرتکب شده، پاداش داده شود و مورد ستم قرار نگیرد!»؛ «روزی که هیچ دوستی، چیزی از عذاب را از دوستش برطرف نکند و این گنه‌کاران حرفه‌ای از جانب کسی یاری نشوند».



﴿۱۳﴾ حَمْدًا يَرْفَعُ مِنِّي إِلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَّرْقُومٍ يَشْهَدُهُ
الْمُقَرَّبُونَ.

(۱۳) سپاسی که از سوی ما، «در پرونده‌ای که کردار نیکان در آن رقم خورده و مقربان درگاهش گواهان آنند»، به سوی اعلا علیین بالا رود.

﴿۱۴﴾ حَمْدًا تَقْرُبُهُ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبَيَّضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا
اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ.

(۱۴) ستایشی که چون دیده‌ها در قیامت خیره شود، سبب روشنی دیده ما شود؛ و هنگامی که چهره‌ها سیاه گردد، به نورانیت آن صورت‌های ما به سپیدی رسد.

﴿۱۵﴾ حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَىٰ كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ .

(۱۵) ستایشی که ما را از آتش دردناک خدا آزاد و در جوار کریمانه‌اش جای دهد.



﴿١٦﴾ حَمْدًا نَزَّاحُمْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامًا بِهِ أَنْبِيَاءُهُ الْمُرْسَلِينَ
 فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ، وَمَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.

(۱۶) ستایشی که به وسیله آن، همدوش فرشتگان شویم؛ و در پیشگاه رحمتش، جای را بر آنان تنگ کنیم؛ و به سبب آن، در سرای جاودانی که از بین نمی‌رود و محل کرامتش که دگرگونی نمی‌پذیرد، با پیامبران مرسل او همراه شویم.

﴿١٧﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَأَجْرَى عَلَيْنَا طِيبَاتِ الرِّزْقِ.

(۱۷) و همه ستایش‌ها مخصوص خداست که زیبایی‌های آفرینش را برای ما برگزید و روزی‌های پاکیزه را به سوی ما روان ساخت.

﴿١٨﴾ وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ
 مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

(۱۸) و ما را با تسلط بر همه موجودات برتری داد. در نتیجه، همه موجوداتش بر اساس قدرت حضرتش، فرمان‌بردار ما هستند؛ و در سایه عزتش، در گردونه اطاعت از ما قرار دارند.



﴿۱۹﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ
نُطِيقُ حَمْدَهُ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ لَا، مَتَى.

(۱۹) و همه ستایش‌ها مخصوص خداست که در احتیاج و نیاز ما را از غیر خود بست؛ پس چگونه قدرت سپاس‌گزاری او را داریم؟ یا چه زمانی می‌توانیم به ادای شکرش اقدام کنیم؟ هیچ‌گاه!

﴿۲۰﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ
الْقَبْضِ، وَ مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَ اثْبَتَ فِيْنَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ، وَ
غَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ أَعَانَنَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَمِّهِ.

(۲۰) و همه ستایش‌ها مخصوص خداست که در پیکر ما ابزار گشودن اندام را سوار کرد و آلات بستن آن‌ها را قرار داد و ما را با روان‌های زنده، از زندگی بهره‌مند ساخت و اعضای انجام دادن کار را در وجود ما استوار کرد و با روزی‌های پاکیزه خوراک داد و با احسانش ما را بی‌نیاز کرد و با عطایش به ما سرمایه بخشید.



﴿۲۱﴾ ثُمَّ أَمَرْنَا لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا، فَخَالَفْنَا
عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ، فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَ
لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُماً، وَانْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا
بِرَأْفَتِهِ حِلْماً.

(۲۱) آنگاه دستوراتش را متوجه ما فرمود تا فرمان بردن ما را بسنجد؛ و از محرمات بر
حذرمان داشت تا شکرکردنمان را بیازماید؛ پس از این همه عنایت، از مسیر دستورش
روی گردانیدیم؛ و بر مرکب سخت و سنگین محرماتش سوار شدیم. با این همه به کیفرش
نسبت به ما شتاب نورزید؛ و بر انتقام گرفتن از ما عجله نکرد؛ بلکه به رحمت و کرمش،
از سر خشنودی و رضایت، با ما معامله کرد؛ و به مهربانی و بردباری اش، بازگشت ما را از
مسیر گناه انتظار کشید.



﴿۲۲﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ ، فَلَوْ
لَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسَنَ بِلَاؤُهُ عِنْدَنَا ، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ
إِلَيْنَا وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا

(۲۲) و همه ستایش‌ها مخصوص خداست که ما را به بازگشت و توبه از گناه، راهنمایی کرد؛ توبه‌ای که آن را جز از طریق احسانش به دست نیاوردیم؛ و اگر از فضل و احسان بی‌شمارش، غیر این عنایت را که عبارت از بخشیدن نعمت توبه و بازگشت است، به حساب نیاوریم، محققاً آزمایشش درباره‌مانیکو و احسانش در حق ما بزرگ و بخشش او بر ما عظیم است.

﴿۲۳﴾ فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا ، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا
مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ، وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا ، وَلَمْ يُجَسِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا ، وَلَمْ
يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَلَا عُدْرًا .

(۲۳) روش و جود مقدّسش در برنامه توبه درباره کسانی که پیش از ما بودند، چنین نبود؛ آنچه را در عرصه گناه توبه، در طاقت و توان ما نبوده، از دوش جان ما برداشته؛ و جز به اندازه قدرت



و وسعمان به ما تکلیف نفرموده؛ در میان آن همه تکالیف سخت، ما را جز به تکالیف آسان و انداشته؛ و در این زمینه، برای هیچ یک از ما دلیل و بهانه‌ای باقی نگذاشته است.

﴿۲۴﴾ فَالْهَالِكُ مِمَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ ، وَالسَّعِيدُ مِمَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

(۲۴) بنابراین، هلاک شونده از ما، کسی است که در میدان مخالفت با او هلاک گردد؛ و سعادت‌مند از ما کسی است که به سوی او اشتیاق داشته باشد.

﴿۲۵﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ أَدْنَىٰ مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَأَكْرَمُ

خَلْقَتِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَىٰ حَامِدِيهِ لَدَيْهِ

(۲۵) و خدا را ستایش، به همه آن ستایشی که نزدیک‌ترین فرشتگان به او و بزرگوارترین مخلوقاتش نزد او و پسندیده‌ترین ستایشگران آستان او، حضرتش راستوده‌اند.

﴿۲۶﴾ حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبَّنَا عَلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ .

(۲۶) ستایشی که از دیگر ستایش‌ها، برتری جوید، مانند برتری پروردگار، به همه مخلوقاتش.



﴿۲۷﴾ تَمَرَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ
وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ ، وَمَكَانَ كُلِّ
وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدْدُهَا أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً أَبَداً سَرْمَداً إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

(۲۷) سپس او را ستایش، به جای همه نعمت‌هایی که او بر ما و به تمام بندگان گذشته‌اش و همه آنانی که هستند و می‌آیند، دارد، ستایشی به عدد تمام اشیایی که دانشش بر آن‌ها احاطه دارد و ستایشی به جای هر یک از اشیا به چندین برابر؛ ستایشی ابدی و همیشگی تا روز قیامت.

﴿۲۸﴾ حَمْدًا لَا مُنْتَهَىٰ لِحَدِّهِ ، وَلَا حِسَابَ لِعَدْدِهِ ، وَلَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ ، وَ
لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

(۲۸) ستایشی که مرزش را پایانی و شماره آن را حسابی و پایانش را نهایی و مدتش را سرآمدی، نباشد.



﴿۲۹﴾ حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ، وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ، وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَيْرًا مِنْ نَقْمَتِهِ، وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَظَهْرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَحَاجَزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَعَوْنًا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوَطَائِفِهِ.

(۲۹) ستایشی که رشته اتصال به طاعت و بخشش و عامل رضایت و خشنودی اش و وسیله آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و حفاظت کننده از کيفرش و امان از خشمش و مددکاری بر طاعتش و مانع و سدی از نافرمانی اش و کمکی بر ادای حق و عهد و پیماناش، باشد.

﴿۳۰﴾ حَمْدًا نَسَعَدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَنَصِيرُهُ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ

(۳۰) ستایشی که به وسیله آن، در گروه سعادت‌مندان از دوستانش، به خوشبختی و سعادت برسیم؛ و به سبب آن با شمشیر دشمنانش در سلک شهیدان قرار گیریم. همانا او یار بندگان و خدای ستوده خصال است.

